



Identifying the Experiences and Capabilities of Female Heads of Households in Interacting with their Children" In the context of Home Quarantine due to Corona Pandemic"

Abazar Ashtari Mehrjerdi¹ | Fatemeh Sadat Homayouni² | Elaheh Baghernejad³

1. Assistant Professor, Institute for Cultural and Social Studies, Tehran, Iran. E-mail: ashtari@iscs.ac.ir

2. Ph.D student, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. E-mail: fatemeh.homayouni@srbiau.ac.ir

3. Ph.D student, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. E-mail: elaheh.baghernejad@srbiau.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2023.01.30

Received in revised form:

2023.03.30

Accepted: 2023.04.09

Published online: 2023.09.01

Keywords:

Women head of household,
Home quarantine, Family
with children, Family name,
Thematic analysis

ABSTRACT

Research related to women who are heads of the household, economic (income) and help to improve their livelihood and their social aspects (inside and outside the family) are neglected. The purpose of this study is to look closely and introspectively at the aspects of life (inside the family/interaction with children) of female heads of households in the conditions of home quarantine by knowing their special situations. This research was conducted with thematic analysis and the population was the female heads of households with children, 15 of whom were selected by purposive sampling until theoretical saturation. The data collection tool was a semi-structured interview. The findings showed that the possibility of adaptability or resilience of women heads of households becomes less and less in these conditions and with any choice or behavior such as remarriage, prostitution, working in other people's homes, violence towards children, depression, living with the family. The wife (father or mother of the wife), the survivors of the children, due to the lack of ability in the educational facilities of the virtual space, etc. are drowning more in critical conditions, and the possibility of maintaining and improving their living conditions and stability has been shaken..

Cite this article: Ashtari Mehrjerdi, A., Homayouni, F & Baghernejad, E. (2023). "Identifying the Experiences and Capabilities of Female Heads of Households in Interacting with their Children" ...". *Iranian Journal of Anthropological Research*, 12(23),1-10. <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.354597.459795>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.354597.459795>

شناسایی تجارب و توانمندی‌های زنان سرپرست خانوار در تعامل با فرزندان

«در شرایط قرنطینه خانگی ناشی از بیماری کرونا»

اباذراشتری مهرجردی^۱ | فاطمه السادات همایونی^۲ | الهه باقرنژاد^۳

۱. استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، رایانامه: ashtari@iscs.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: fatemeh.homayouni@srbiau.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: elaheh.baghernejad@srbiau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	یکی از پدیده‌های نوظهور در دوران مدرن، زنان سرپرست خانوار است که گاهی به‌عنوان یک مسأله اجتماعی نیز شناخته می‌شوند. در این نگاه، اغلب مطالعات مربوط به زنان سرپرست خانوار، رویکرد اقتصادی (درآمدی) و کمک به بهبود معیشت آنان را برجسته نموده و جنبه‌های تعاملات اجتماعی آنان (درون و بیرون از خانواده) مغفول واقع شده است. هدف این پژوهش نگاه نزدیک و درون‌نگرانه به زوایای زندگی (درون خانوادگی/تعامل با فرزندان) زنان سرپرست خانوار، در شرایط قرنطینه خانگی با شناخت موقعیت‌های خاص آن‌هاست. این تحقیق با روش تحلیل مضمون انجام شده و جامعه مورد مطالعه زنان سرپرست خانوار دارای فرزند بوده که با روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۱۵ نفر تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امکان سازگاری یا تاب‌آوری زنان سرپرست خانوار در این شرایط کم و کمتر شده و با انتخاب‌ها یا رفتارهایی از قبیل ازدواج مجدد، تن‌فروشی، کار در خانه‌های دیگران، خشونت نسبت به فرزندان، افسردگی، زندگی در کنار خانواده همسر (پدر یا مادر همسر)، بازماندگی فرزندان به دلیل عدم توان در تأمین امکانات آموزشی فضای مجازی و غیره، هرچه بیشتر در شرایط بحرانی غرق شده و امکان حفظ و بهبود شرایط زندگی و پایداری آن را متزلزل کرده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰	
کلیدواژه‌ها:	
زنان سرپرست خانوار، قرنطینه خانگی، تعامل با فرزندان، کرونا،	
تحلیل مضمون	

استناد: اشتري مهرجردی، اباذر، همایونی، فاطمه السادات و باقرنژاد، الهه (۱۴۰۲). «شناسایی تجارب و توانمندی‌های زنان سرپرست خانوار در تعامل با فرزندان...» پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۲(۳۳)، ۱-۱۰. doi: <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.354597.459795>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJAR.2023.354597.459795>

۱. مقدمه

تغییرات پدید آمده ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا - به‌عنوان یک بحران اجتماعی - بر زندگی تمام گروه‌های اجتماعی تأثیر گذاشته و موجب تشدید فشارها بر حوزه‌های مختلف زندگی آنها شده است و در این میان، گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر، متحمل فشارهای بیشتری شده‌اند. «زنان سرپرست خانوار»^۱ به‌عنوان عضوی از جامعه با ویژگی‌ها و نیازهای خاص، از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه می‌باشند که با مسائل، مشکلات و موانع زیادی در زندگی مواجه هستند و وقوع یک بحران اجتماعی، علاوه بر اینکه بر تعداد این گروه از جامعه می‌افزاید، می‌تواند فشارهای مضاعف و شرایط ویژه‌تری را بر آنها تحمیل نماید. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارشی با عنوان «بررسی آماری ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی زنان سرپرست خانوار و خود سرپرست» تعداد زنان سرپرست خانوار را در سال ۱۳۹۸ (پیش از شروع پاندمی کرونا) بیش از ۳ میلیون نفر اعلام کرده است که این میزان نسبت به سال ۱۳۹۰، افزایش ۲۶/۸ درصدی داشته است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰-الف). این وزارتخانه در گزارش «وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانوارهای سرپرست و دارای کودک آسیب‌دیده از کرونا» اعلام می‌دارد که با شروع پاندمی کرونا ۶۸۳۶۰ زن به واسطه فوت سرپرست خانوار ناشی از ابتلا به کرونا، سرپرست خانوار شده‌اند. همچنین ۷۸۶ زن سرپرست خانوار به دلیل ابتلا به کرونا فوت شده و فرزندان آنان بی‌سرپرست مانده‌اند (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰-ب). علاوه بر آمار ارائه شده توسط نهادهای رسمی ایران در خصوص روند فزاینده تعداد زنان سرپرست خانوار، آنچه سرپرستی زنان خانوار را به عنوان یک مسئله اجتماعی [در کشور] اثبات می‌کند، بررسی‌ها و مطالعات جهانی در این رابطه است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در میان گروه‌های مختلف زنان، زنان سرپرست خانوار با گسترش پاندمی کرونا بیشتر تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و ضمن این که تعداد آنها در کشورهای توسعه‌یافته در این دوران روندی افزایشی داشته است (ونهام، ۲۰۲۰).

نتایج برخی از مطالعات نشان می‌دهد که قرنطینه‌های اجباری و هم‌زیستی در فضاهای کوچک خانه، دوری از مناسبات اجتماعی ماقبل کرونا، خشونت خانگی، افزایش مسئولیت‌های حمایتی، مراقبتی، اقتصادی، اجتماعی و عاطفی فشاری چندگانه را بر روح و جسم زنان وارد می‌کند: یونسکو تخمین می‌زند که ۱/۳۸ میلیارد کودک [به دلیل شرایط قرنطینه] از مدرسه یا مراکز مراقبت از کودکان خارج هستند و به فعالیت‌های گروهی، ورزش‌های گروهی یا زمین‌های بازی دسترسی ندارند. والدین و مراقبان سعی می‌کنند در حالی که از کودکان مراقبت می‌نمایند، از راه دور کار کنند و یا قادر به کار نیستند؛ بدون اینکه مشخص باشد این وضعیت تا چه مدت ادامه خواهد داشت. برای بسیاری از مردم، فقط مشغول نگه‌داشتن کودکان در خانه و ایمن نگه داشتن آنها یک چشم‌انداز دلهره‌آور است. این چالش‌ها برای کسانی که در خانواده‌های کم‌درآمد و پرجمعیت زندگی می‌کنند، تشدید می‌شود و پیامدهای جدی دارد. شواهد نشان می‌دهد که خشونت و آسیب‌پذیری برای کودکان در دوره‌های تعطیلی مدارس مرتبط با شرایط اضطراری کرونا افزایش می‌یابد. والدین و کودکان با افزایش استرس، هیاهوهای رسانه‌ای و ترس زندگی می‌کنند که همه ظرفیت آنان را برای تحمل شرایط را به چالش می‌کشد و در کنار این موارد، تأثیر اقتصادی بحران، استرس والدین، بدرفتاری و خشونت علیه کودکان را افزایش می‌دهد (کلاور و همکاران، ۲۰۲۰). مارچیتی و همکاران (۲۰۲۰) چهار هفته پس از قرنطینه، یک نظرسنجی مبتنی بر وب از ۱۲۲۶ نفر از والدین ایتالیایی انجام دادند تا شیوع خستگی مرتبط با فرزندپروری را بررسی کنند. ۱۷ درصد از نمونه این پژوهش، خستگی قابل توجهی مرتبط با والدین را تجربه کردند که مادران به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند. فرسودگی بیشتر مرتبط با والدین با پریشانی روان‌شناختی، تاب‌آوری کمتر والدین، مادر بودن، ارتباطات اجتماعی کمتر درک شده [ناشی از قرنطینه]، مجرد بودن و همچنین

۱ زنان سرپرست خانوار عموماً شامل زنان بیوه و مطلقه، همسران معتاد، همسران مردان مهاجر، همسران مردان زندانی، دختران مجرد و همسران مردان از کار افتاده هستند.

داشتن فرزند با نیازهای ویژه، داشتن تعداد زیادی فرزند و داشتن بچه‌های کوچک‌تر بوده است. نتیجه تحقیق خدابخشی، کولایی و آقایی (۲۰۲۰) نیز نشان می‌دهد نگرانی‌های سلامت و جسمی مادر، سردرگمی در ایفای نقش مادری، نگرانی در مورد کیفیت آموزشی و هدر دادن فرصت‌های یادگیری و نگرانی در مورد تأثیر اختلافات مالی بر فرزندان از جمله نگرانی‌های مادران ایرانی در مراقبت از فرزندان در دوران شیوع کرونا بوده است. زهرا فلک الدین و همکاران (۱۴۰۰) نیز نشان دادند که زنان پژوهش حاضر همه سعی و تلاش خویش را به کار می‌گرفتند که شادکامی را در بین فرزندان خویش به وجود آورند، مشکلات اقتصادی را مدیریت کنند و با داغ ننگ ناشی از سرپرست خانوار بودن و مشکلات پس از آن کنار بیایند. همچنین در روحیات خویش نوعی بازاندیشی مثبت داشته باشند و با تقویت روحیه خویش، برای شادکامی فرزندان تلاش کنند. در واقع آنان به دنبال آن بودند که نگاهی همه‌جانبه به نیازهای فرزندان، از جمله نیازهای مالی، عاطفی، تعاملاتی، آموزشی و فراغتی داشته باشند که همه این تلاش‌ها و ایثار مادرانه، تحت عنوان مقوله «والدگری مضاعف» تشخیص داده شد؛ زیرا این زنان بیان می‌داشتند که بعد از پذیرش نقش سرپرستی خانوار، وظایف پدری و مادری را توأمان انجام می‌دهند که فراتر از وظایف مادرانگی صرف است.

مسائل مطرح شده در مطالعات فوق، می‌توانند در مورد زنان سرپرست خانوار تشدید شوند؛ زیرا این زنان علاوه بر تأمین منابع مالی و معنوی برای اعضای خانواده، به تنهایی عهده‌دار نگهداری از فرزندان خود هستند و این ایفای نقش‌های دوگانه، این زنان را با موقعیت‌های دشواری مواجه می‌سازد. همچنین آنان تبعیض‌های جنسیتی را در حوزه‌های مختلف تحصیلات، درآمد، حقوق و فرصت‌های اقتصادی تجربه می‌کنند؛ در نتیجه فرزندان آن‌ها نیز معمولاً با بی‌ثباتی عاطفی روبه‌رو هستند که بر روابط آن‌ها با زن سرپرست تأثیر منفی دارد (شیانی و زارع، ۱۳۹۸). ولی این مسئله به معنای آن نیست که آنان به طور مطلق از این شرایط تأثیر می‌پذیرند و نمی‌توانند بر مشکلات خود فائق آیند. به بیان دیگر، نمی‌توان این‌گونه زنان را قربانی و منفعل در برابر شرایط دانست، بلکه باید با بررسی تجربه‌های شخصی این زنان را برای مبارزه با شرایط حاکم بر زندگی آنان را از نزدیک شناخت. با مروری که بر مطالعات انجام شده در خصوص این زنان در کشور ایران، می‌توان گفت که مطالعات انجام شده در این خصوص از چشم‌اندازی بیرونی و خارج از تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار و بعضاً به صورت خیلی خرد، به زندگی آن‌ها نگریسته‌اند و غالباً جنبه‌های اقتصادی زندگی و روان‌شناختی آنان را مورد بررسی قرار داده و جنبه‌های تعاملات اجتماعی آنان (داخل و خارج از خانواده) مغفول واقع شده است. به طوری که بعضاً تنها به نیازهای شادکامی یا آسیب‌های روانی زنان سرپرست پرداخته شده و نوع تعامل با فرزندان و موقعیت اجتماعی خانواده نادیده گرفته شده است. بر این اساس، مسئله مورد تمرکز این پژوهش، شناخت تجارب و توانمندی‌های زنان سرپرست خانوار در تعامل با فرزندان در شرایط قرنطینه خانگی ناشی از بیماری کووید ۱۹ و به طور مشخص، مسئله پژوهش نگاه نزدیک و درون‌نگرانه به زوایای زندگی (درون خانوادگی/تعامل با فرزندان) زنان سرپرست خانوار در شرایط قرنطینه خانگی است زیرا افزایش فشارها در شرایط قرنطینه بر زن سرپرست خانوار به‌عنوان ستون خانواده، همه اعضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اهمیت پرداختن به این موضوع را افزایش می‌دهد.

۲. چارچوب نظری

در این بخش با توجه به موضوع مورد بررسی از چارچوب نظری تاب‌آوری بهره گرفته شد که به طور خلاصه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲-۱. نظریه کامپفر (۱۹۹۹)

کامپفر معتقد است که تاب‌آوری نقش مهمی در بازگشت به تعادل اولیه یا رسیدن به سطح بالاتر دارد و از این رو، سازگاری مثبت و موافق در زندگی فراهم می‌کند. در عین حال، کامپفر به این نکته اشاره دارد که سازگاری مثبت با زندگی هم می‌تواند پیامد تاب‌آوری را سبب شود ولی این مسئله را ناشی از پیچیدگی تعریف و نگاه فرایندی به تاب‌آوری می‌داند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۲).

۲-۲. نظریه سیستم بوم‌شناختی-اجتماعی

این مدل تاب‌آوری افراد را با توجه به بافت ارتباطی خود مانند خانواده، دوستان همسایه‌ها و سایر ابعاد جامعه بزرگ‌تر تعریف کرده است و آن را فقط یک خصوصیت منحصربه‌فرد افراد نمی‌داند؛ بلکه شامل خصوصیت مربوط به جامعه است. تاب‌آوری یک واکنش مربوط به شبکه ارتباطی تأثیرگذار است و شبکه دنیای درونی افراد خانواده، مدرسه، همسایه و سایر ابعاد جامعه را شامل می‌شود که حتی عواملی چون سیاست‌های علمی، جراثم اقتصادی بزرگ تروریسم و ... نیز در آن نقش دارند. مطابق با پژوهش میشل انگار تاب‌آوری یک مفهوم کلی است که از نظر بافتی و فرهنگی ابعاد خاص مربوط به خود را دارد، به عبارتی دیگر، الگوهای فرهنگی و بافتی جامعه بر ابعاد مختلف زندگی کودک (که در تاب‌آوری نقش دارد) تأثیر می‌گذارد. از طرفی، ابعاد تاب‌آوری به معنی ادراک شده تاب‌آوری تفاوت تجربه‌های آن در هفت زمینه مختلف است که عبارت هستند از: دسترسی به منابع مادی، ارتباط بین فردی احساس هویت و تبعیت فرهنگی عدالت اجتماعی احساس کنترل و قدرت همبستگی (صفاری‌نیا و بازیاری میمند، ۱۳۹۱).

۲-۳. نظریه توانمندی محور

این نظریه مشابه روان‌شناسی انسان‌گرا یا تحول مثبت فرد است و بر رشد و توانمندی استعدادهای طبیعی صلاحیت و شایستگی فرد برای ایجاد یک سازگاری موفقیت‌آمیز و مثبت در تعامل با دنیای بیرون تأکید دارد (همان منبع).

۲-۴. لپِر و رونسن

لپِر^۱ و رونسن (۲۰۰۶) تاب‌آوری را به بهبود، پایداری و بازشکل‌دهی تقسیم می‌کنند. بهبود فقط به معنای بازگشت به سطح پایه کارکرد است، درحالی‌که پایداری هنگامی است که شخص هیچ نشانی از اختلال و آشفتگی درماندگی اندک^۲ پس از رخداد آسیب‌زا نشان نمی‌دهد. بازشکل‌دهی نیز مربوط به وقتی است که افراد در شکلی متفاوت به تعادل حیاتی^۳ بازمی‌گردند؛ یعنی آن‌ها پس از تجربه آسیب‌زایی که داشته‌اند (خواه مثبت یا منفی) تغییر می‌کنند (همان منبع).

۲-۵. ورنر

در مطالعه ابتکارآمیزی که ورنر و اسمیت در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ انجام دادند، چند عامل خطر ساز مرتبط با افرادی که تاب‌آوری ندارند مورد شناسایی قرار گرفت. آن‌ها پس از پیگیری گروهی از نوزادان، از تولد تا میان‌سالی، به این نتیجه رسیدند که افرادی که با

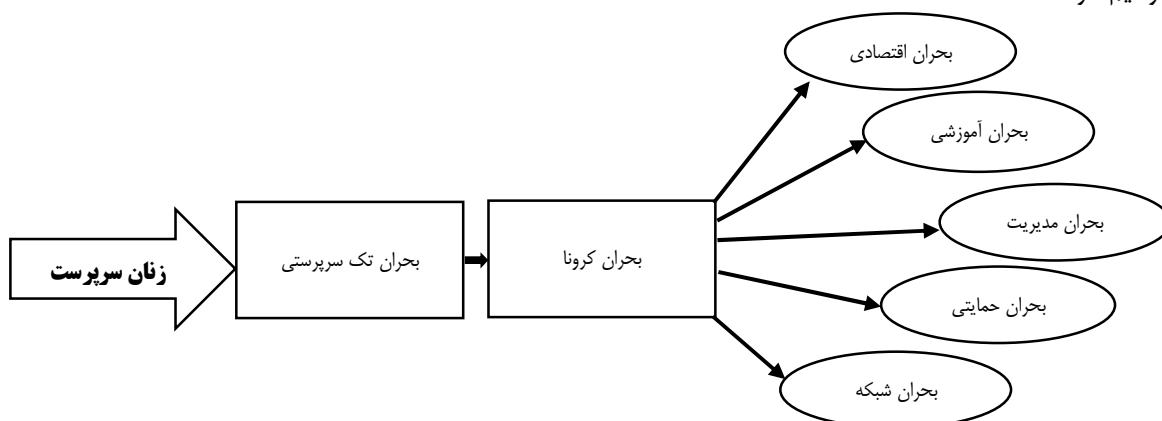
1 Lepore

2 Disturbance Low Distress

3 Homeostasis

عوامل خطرزای زیر روبه‌رو بودند، نسبت به افرادی که با این عوامل روبه‌رو نبودند، احتمال بیشتری داشت که تسلیم شوند: وزن کم هنگام تولد، وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین، تحصیلات پایین مادر، ساختار بی‌ثبات خانوادگی (مانند طلاق، بهره‌کشی یا سوء‌مصرف مواد) (همان منبع).

این تحقیق، از مدل مفهومی و نظری شبیه به آنچه که در مطالعات کمی وجود دارد برخوردار نیست؛ اما مفاهیم حساسی از مجموع نظریات اخذ گردیده که در نهایتاً به تم‌های تحلیلی ختم شده است. این مفاهیم حساس را می‌توان به‌صورت بصری به شرح ذیل ترسیم کرد:



شکل ۱. مفاهیم حساس اخذ شده از مجموع نظریات (ماخذ: یافته‌های پژوهش)

۳. روش‌شناسی

این پژوهش با استفاده از رویکرد تحقیق کیفی و تحلیل مضمون انجام شده است. اصل بنیادی این است که تمام ویژگی‌های یک پژوهش باید در راستای طرح مسئله آن ارائه و پیکربندی شود. مسئله این پژوهش شناخت تجربیات، چالش‌ها و توانمندی‌های زنان سرپرست خانوار در تعامل با فرزندان (در شرایط قرنطینه خانگی) است. اساساً این پرسش مطرح می‌شود که اگر زنان سرپرست خانوار خود بتوانند به روایت زندگی خود بپردازند، بر کدام درک، تفاسیر و تجارب بیشتر تکیه خواهند کرد؟ شناخت کلیشه‌ای کنونی ما از این زنان، عمدتاً مبتنی بر رویکردهای پوزیتیویستی (آماری / مداخله / نتایج مداخله) و از نوع مداخله درآمدی است؛ اما نقطه تمرکز مطالعه حاضر، تعاملات اجتماعی این گروه اجتماعی در درون خانواده است. بدیهی است چنین مسئله پژوهشی، تعلق پارادایمی به دیدگاه تفسیری / تفهیمی دارد. مسئله این مطالعه، ریشه در فهم همدلانه و تفهم تجربه زندگی زنان سرپرست خانوار در یک شرایط خاص تاریخی (قرنطینه خانگی جهانی و بی‌سابقه) است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۵ نفر از زنان سرپرست خانواده ساکن شهر تهران هستند که دارای فرزند می‌باشند. داده‌ها و اطلاعات تحقیق با انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته کیفی با آنان در خصوص تجربه زیسته آنان در رابطه با تعامل با فرزندان در دوران قرنطینه خانگی است. نمونه‌های این پژوهش از طریق معرفی مؤسسات خیریه و فراخوان مشارکت در پژوهش انتخاب شده‌اند. پیش از انجام مصاحبه، ضمن توضیح اهداف تحقیق و چگونگی انجام پژوهش و توضیح، محرمانه بودن یافته‌های این پژوهش و استفاده نکردن از نتایج آن برای اهداف دیگر، از افراد خواسته شد تا در صورت تمایل و به صورت داوطلبانه در آن شرکت کنند و این مسئله به‌عنوان مهم‌ترین شرط ورود زنان به مصاحبه و بیان تجربه زیسته‌شان بود. به زنان این اطمینان داده شد در صورت عدم تمایل به ادامه مصاحبه، مصاحبه‌ها قطع خواهد شد. نمونه‌گیری با روش هدفمند و نظری صورت گرفته است و نمونه‌هایی برای مصاحبه انتخاب شدند که بتوانند توصیفات غنی موضوع مورد مطالعه ارائه نمایند. این

فرایند تا جایی پیش رفت که اشباع داده‌ها حاصل شد و دیگر یافته و داده جدیدی از دل مصاحبه‌ها استخراج نشد. در مجموع با ۱۵ نفر از زنان ۲۸-۵۴ ساله مصاحبه صورت گرفت و تلاش شد که بیشترین تنوع در نمونه‌های پژوهش رعایت شود. هر مصاحبه در حدود ۳۰ تا ۴۰ دقیقه به طول انجامیده است و فایل صوتی آن با اجازه مشارکت‌کنندگان در پژوهش در اختیار محققین قرار گرفته است. مصاحبه‌ها به صورت منعطف و بر اساس سئوالات محوری پژوهش انجام شد. این سئوالات محوری عبارت بودند از:

- ۱- زنان سرپرست خانوار چه تغییرات و چالش‌هایی را در ساختار تعاملات خانوادگی (به ویژه در ارتباط با فرزندان) در شرایط قرنطینه خانگی تجربه کرده‌اند؟
- ۲- از چه استراتژی‌هایی برای مدیریت و مواجهه با وضعیت جدید بهره برده‌اند؟
- ۳- مهم‌ترین مؤلفه‌های تاب‌آوری در تعامل با فرزندان را در چه چیزهایی می‌دانند؟

۴. اعتبار یافته‌های تحقیق

در خصوص اعتباریابی این پژوهش (قابل اعتماد بودن یافته‌ها، باورپذیری و انعکاس‌دهنده تجارب مشارکت‌کنندگان از یک پدیده) از سه معیار باورپذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری استفاده شد. همچنین به منظور باورپذیری مفاهیم استخراج شده از چند مصاحبه انتخاب و به مشارکت‌کنندگان ارائه شده و از آنان سؤال می‌شود که این مفاهیم با ذهنیت‌های آنان قرابت دارد یا خیر؟ اطمینان‌پذیری نیز به معنای گردآوری اطلاعات قابل اعتماد است که از طریق حسابرسی دائم حاصل می‌شود.

۵. نتایج توصیفی

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، ۱۵ نفر از زنان ۲۸-۵۴ ساله دارای فرزند بودند و به لحاظ تحصیلات در محدوده بی‌سواد تا دکتری قرار داشتند که یک نفر بی‌سواد، ۶ نفر دارای تحصیلات اولیه ناتمام، ۶ نفر دیپلمه، ۱ نفر دارای تحصیلات کارشناسی و ۱ نفر دارای تحصیلات دکتری بود. ۷ نفر از خانم‌ها متأهل و ۸ نفر از آن‌ها به دلیل فوت همسر و طلاق، سرپرست خانوار می‌باشند. همچنین، ۶ نفر تحت پوشش مؤسسه خیریه بودند و تنها ۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان از حمایت خانوادگی برخوردار بود. در جدول شماره ۱، ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار مورد مطالعه

ردیف	سن	سن ازدواج	تحصیلات	وضعیت بیمه	وضعیت بیمه تکمیلی	پوشش نهادهای حمایتی اجتماعی	شغل (منبع درآمد)	وضعیت برخورداری از حمایت خانوادگی	وضعیت مسکن	علت سرپرستی خانوار	مدت سرپرستی خانوار (سال)	تعداد فرزندان	سن فرزندان	جنسیت فرزندان
۱	۴۷	۲۷	سوم ابتدایی	-	-	مؤسسه خیریه	همسر کارگر فصلی است - مستمری و مؤسسه و پارانه	-	مستأجر	اعتیاد همسر	۱۰	۲	۱۴ و ۱۱	پسر و دختر
۲	۳۳	۲۳	اول دبیرستان	-	-	مؤسسه خیریه	دست‌فروشی و مستمری و مؤسسه و پارانه	-	زندگی در منزل اقوام و آشنایان	غیبت همسر	۵	۲	۴ و ۱۰	پسر و دختر
۳	۴۷	۲۲	دوم راهنمایی	-	-	مؤسسه خیریه	مستمری و مؤسسه و	-	زندگی در منزل	غیبت همسر	۲	۳	۱۶، ۵، ۱۳	دختر

ردیف	سن	سن ازدواج	تحصیلات	وضعیت بیمه	وضعیت بیمه تکمیلی	پوشش نهادهای حمایتی اجتماعی	شغل (منبع درآمد)	وضعیت برخورداری از حمایت خانوادگی	وضعیت مسکن	علت سرپرستی خانوار	مدت سرپرستی خانوار (سال)	تعداد فرزندان	سن فرزندان	جنسیت فرزندان
							یارانه		اقوام و آشنایان					
۴	۳۱	۱۲	بی‌سواد	-	-	مؤسسه خیریه	دست‌فروشی و مستمری مؤسسه و یارانه	-	مستأجر	اعتیاد همسر	۱۵	۴	۱۸، ۱۵، ۱، ۱۳	دو دختر و دو پسر
۵	۴۵	۳۵	سوم ابتدایی	سلامت	-	مؤسسه خیریه	مستمری و مؤسسه و یارانه	-	مستأجر	بیماری همسر	۲	۲	۵ و ۸	دختر و پسر
۶	۳۷	۲۵	پنجم ابتدایی	تأمین اجتماعی	-	مؤسسه خیریه	مستمری و مؤسسه و یارانه	-	مستأجر	غیبت همسر	۳	۲	۳ و ۱۱	دختر
۷	۵۴	۲۰	دیپلم	تأمین اجتماعی	دارد	-	حقوق کارمندی	-	مستأجر	طلاق	۳۴	۲	۳۲ و ۲۸	پسر و دختر
۸	۳۸	۲۳	دیپلم	-	-	-	درآمد آرایشگری و مستمری پدرشوهر	گاهی توسط خانواده همسر حمایت مالی می‌شوند.	زندگی در منزل اقوام و آشنایان	اعتیاد همسر	۹	۲	۴ و ۱۱	پسر و دختر
۹	۳۷	۱۷	لیسانس	تأمین اجتماعی	دارد	-	مستمری همسر و اجاره خانه	-	شخصی	فوت همسر	۶	۲	۱۹ و ۱۳	دختر و پسر
۱۰	۴۹	۱۶	دیپلم	تأمین اجتماعی	دارد	-	درآمد ماسوری	-	مستأجر	طلاق	۱۵	۱	۳۳	پسر
۱۱	۵۲	۲۳	دیپلم	تأمین اجتماعی	دارد	-	درآمد آرایشگری	دارد	شخصی	فوت همسر	۲۵	۱	۲۵	دختر
۱۲	۴۳	۱۴	سیکل	تأمین اجتماعی	دارد	-	حقوق کارگری و کار خدماتی	-	شخصی	طلاق	۲۵	۲	۲۷ و ۱۶	دختر و پسر
۱۳	۵۴	۱۶	دیپلم - تحصیلات حوزوی	تأمین اجتماعی	دارد	-	مستمری همسر و درآمد تدریس	-	شخصی	فوت همسر	۹	۲	۳۶ و ۳۱	پسر و دختر
۱۴	۲۸	۱۸	دیپلم	تأمین اجتماعی	دارد	-	مستمری همسر و درآمد فروشگاه اینترنتی	-	زندگی در منزل اقوام و آشنایان	فوت همسر	۴	۱	۹	پسر
۱۵	۳۳	۲۴	دکتری	تأمین اجتماعی	دارد	-	درآمد دندان پزشکی	دارد	شخصی	فوت همسر	۲	۱	۷	دختر

* منبع: یافته‌های پژوهش

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته با زنان سرپرست خانوار بر اساس تحلیل مضمون، در گام اول، داده‌های جمع‌آوری شده بازنویسی و توصیف شدند. این یک فرایند رفت و برگشتی بوده و نتیجه منجر به ایجاد داده‌های اولیه در سطح اول شدند. این کدها چندین حکم یا جمله و حتی پاراگراف بودند که در مرحله بعد به جستجوی خام مضامین بالقوه پرداخته شد. در اینجا بیش از ۵ مضمون کلی به دست آمد که مرتباً در یک فرایند رفت و برگشتی به بازبینی مضامین پرداخته شد. در نهایت به تعریف و نام‌گذاری مضامین پرداخته شد و نسبت آن با نظریه‌ها و قالب نظری مشخص گردید. یکی از راهبردها و تاکتیک‌های روش تاب‌آوری و حل مشکلات پیش آمده برای زنان سرپرست خانواری که به نوعی به دلایل مختلف از جمله مرگ (کرونا، تصادف یا حادثه) یا جدایی، همسران خود را از دست داده‌اند، ازدواج مجدد بوده است. این راهبرد که برگرفته از نظریه کامپنر (۱۹۹۹) است، در بازگشت به تعادل اولیه یا رسیدن به سطح بالاتر کمک کرده و از این رو سازگاری مثبت و موافق در شرایط زندگی تلقی می‌شود. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین کارهایی که مرتباً در میان مصاحبه‌ها تکرار شده است «رها شدگی و نادیده گرفته شدن توسط همسر یا خانواده همسر «یا» عدم مسئولیت‌پذیری همسر و خانواده همسر از مسائل و مشکلات خانواده»، «مسئولیت‌ناپذیری همسران ناسی از اعتیاد در خصوص فرزندان» و کارهایی از این دست، در قالب نظریه سیستم بوم‌شناختی-اجتماعی و مشخصاً فعالیت‌های پژوهشی میشل انگار قابل طرح و تغییر است. همچنین این یافته با یافته‌های فلک‌الدین و مارچیتی هم‌راستا است. آن‌ها تجربه‌های تاب‌آوری در این زمینه را حول ۷ زمینه صورت‌بندی می‌کند:

- ۱- دسترسی به منابع مادی
- ۲- ارتباط بین فردی
- ۳- احساس هویت
- ۴- تبعیت فرهنگی
- ۵- منزلت اجتماعی
- ۶- احساس کنترل
- ۷- قدرت همبستگی

نکته دیگر که در قالب نظریه «توانمندی محور» معنادار می‌باشد، این است که افراد بنا بر توانمندی اجتماعی-فردی و استعدادهای طبیعی، امکان ایجاد یک سازگاری موفقیت‌آمیز و مثبت در تعامل با دنیای بیرون یا تعامل با موقعیت بحرانی، که در اینجا نبود یا کم‌رنگ بودن همسر است، را خواهند داشت. این نکته در کارهای مربوط به افرادی که دارای شغل یا دارای سواد (پتانسیل داشتن و کسب مشاغل اقتصادی) بودند، بیشتر نمایان است. در این شرایط، زنان سرپرست خانوار مجبور به تن‌فروشی یا ازدواج مجدد جهت حل مسائل جاری و اقتصادی خانواده و فراهم کردن امکان تحصیل برای فرزندان نخواهند بود و به‌عنوان الگویی جهت گذران زندگی یا تاب‌آوری اجتماعی-فردی در یک یا چند شرایط بحرانی مطرح باشد و به نظر می‌رسد پیش از ایجاد یا بروز بحران‌های این چنینی لزوم پرداخت به موقعیت‌های توانمندی زنان و اقشار آسیب‌پذیر، مشهود است. در این موقعیت نیازمند تمامی ساختارهای تأثیرگذار از جمله صدا و سیما، رسانه‌های اجتماعی، نهادهای مذهبی جهت آموزش‌های غیررسمی-غیرمستقیم جهت توانمندسازی روانی، اجتماعی هستیم تا افراد در شرایط احتمالی بحرانی امکان تعامل و گذران زندگی عادی-معمولی را داشته باشند. این یافته با نتایج مطالعات طالبی و ونهایم نیز به نوعی تطابق داشته و همراهی می‌کند. در شرایط بحرانی (در اینجا کرونا) گروهی از زنان سرپرست خانوار - بر اساس نظریه لُپو و رونسن (۲۰۰۶) - که به نوعی توانسته بودند، به بهبود شرایط و پایداری وضعیت خانوادگی،

فردی خود دست پیدا کنند، به ناگاه در یک موقعیت بحرانی دیگر یعنی از دست دادن درآمد و مشتریان و زنجیره‌وار، از دست دادن محل زندگی، محل تولید و کسب درآمد و ... روبرو شدند. بر اساس دیدگاه این دو محقق، این زنان مجبور بودند اقدام به باز شکل-دهی شرایط جهت دستیابی به شکل متفاوتی از تعادل حیاتی دست یابند. دستیابی به تعادل در شرایط بحرانی اخیر (کرونا) شرایطی پیچیده است که تنها یکی از حوزه‌های فردی یا اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار نداده است. این شرایط پیچیده و در هم تنیده شامل مسائل فردی-اجتماعی همراه با ناپایداری امنیت جانی، ناسازگاری و تنهایی و افسردگی کودکان، مرگ یا جدایی همسر، رهاشدگی و انقطاع حمایت‌های مالی، عاطفی، اجتماعی خانواده، فرار و ترک خانواده توسط فرزندان و ... باعث شد که در کنار ناتوانمندی فردی-اجتماعی و تراکم و تکثر مسائل در هم تنیده، باعث شده امکان سازگاری یا تاب‌آوری زنان سرپرست خانوار در این شرایط کم و کمتر شده و با هر انتخاب یا رفتار از جمله ازدواج مجدد، تن‌فروشی، کار در خانه‌های دیگران، خشونت نسبت به فرزندان، افسردگی، زندگی در کنار خانواده همسر (پدر یا مادر همسر)، بازماندگی فرزندان به دلیل عدم توان در تأمین امکانات آموزشی فضای مجازی و ... هر چه بیشتر در شرایط بحرانی غرق و غرق‌تر می‌شود و امکان حفظ و بهبود شرایط زندگی و پایداری آن را متزلزل کرده است.

تشکر و سپاس‌گزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از ریاست و کارکنان مؤسسه خیریه مهرآفرین و بانوان محترم شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها که ما را در انجام و پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

۷. منابع

- رحیمیان، حمید؛ احمدپور داریانی، محمود؛ عباس‌پور، عباس و اعلامی، فرنوش (۱۳۹۲). شناسایی عوامل علی اثرگذار بر شکل‌گیری رفتار کارآفرینان اجتماعی در ایران، *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، (۱) ۶، صص ۲۰۲-۱۸۵.
- شیانی، ملیحه و زارع، حنان (۱۳۹۸). فرا تحلیل مطالعات زنان سرپرست خانوار در ایران، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، (۲) ۲۶، صص ۹۷-۶۷.
- صفاری‌نیا، مجید و بازیاری میمند، مهتاب (۱۳۹۱). مقایسه تاب‌آوری هیجانی و اجتماعی در دانش‌آموزان مناطق محروم با غیر محروم، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، (۱) ۸، صص ۱۲۴-۱۰۷.
- فلک‌الدین، زهرا؛ حاجی‌زاده میمند، مسعود؛ موسوی، سید محسن و کلاته ساداتی، احمد (۱۴۰۰). مادران، سرپرستی خانوار و شادکامی خانواده (یک مطالعه کیفی در بین زنان سرپرست خانوار شهر یزد)، *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، (۴) ۱۰، صص ۱۱۶-۹۱.
- وزارت تعاون، رفاه و کار اجتماعی (۱۴۰۰-الف). بررسی آماری ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان سرپرست خانوار و خود سرپرست.
- وزارت تعاون، رفاه و کار اجتماعی (۱۴۰۰-ب). وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانوارهای سرپرست و دارای کودک آسیب‌دیده از کرونا.

Cluver, L, Lachman, J.M, Sherr, L, Wessels, I, Krug, E, Rakotomalala, S & McDonald, K (2020). Parenting in a time of COVID-19. *Lancet*, 395(10231).

Khodabakhshi-koolae, A, & Aghaei Malekabadi, M (2020). Motherhood and home quarantine: Exploring the experiences of Iranian mothers in caring for their children during the COVID-19 outbreak. *Journal of Client-Centered Nursing Care*, 6(2), 87-96.

Marchetti, D, Fontanesi, L, Mazza, C, Di Giandomenico, S, Roma, P, & Verrocchio, M.C (2020). Parenting-related exhaustion during the Italian COVID-19 lockdown. *Journal of pediatric psychology*, 45(10), 1114-1123.

The gendered impact of the COVID-19 crisis and post-crisis period. European Parliament. (Wenham, C2020).